
اسکن شد
مدیریت خدمات ماشینی

شمارهٔ اول

اداره روزنامه کشکول

طهران

اداره روزنامه ندای وطن است

هفته یک مرتبه طبع و نشر میشود

بتاریخ پنجشنبه پانزدهم شهر صفر المظفر سنه ۱۳۲۵

مطابق (۳۰) مارس ۱۹۰۷

آبونه اشتراک سالیانه

طهران .... هشت قران

در سایر ولایات داخله ..... یکتومان

فرنگستان ..... پنج فرانک

قفقاز و روسیه ... سه منات

هندوستان ... چهار روپیه



کشکول

قیمت یک نسخه سه شاهی

این روزنامه از قید رسمیت و صحت و مسئولیت بکلی خارج است ابداً با شخص خاصی طرف نیست و غرضش برانداختن عادات زشت و تربیت و مجری ساختن رسوم تمدن و ترقیات هر کیاز دانشمندان که صور موهوم خنده آمیز عبرت انگیزی که بکسی برنخورد طرح نموده باداره بفرستند درج و ترسیم خواهد شد

بنام خداوند بخشاینده مهربان

عقلای عالم بعد از هزار سال فکر و تامل از برای تهذیب اخلاق ملت و اشاعهٔ تمدن و تربیت و در اصلاح مملکت بالاخره اتفاق کرده اند که بهترین وسائل این است که اعمال زشت آنها را تجسم نموده بمردم نشان دهند تا از دیدن آنها عبرت بگیرند و راهای نیک پیش داخل [illegible] نموده گردند

برای تجسیم اعمال دو وسیله سهل و ساده بدست آورده اند آن دو وسیله یکی تیاتر است که در حقیقت غرض از تشکیل آن تجسیم اعمال است و نواختن موزیک و رقص برای ازدیاد رغبت مردم است بتماشا و دیگری ساختن صور موهومه خیالی موسوم (بکاریکاتور) در روزنامه‌ها بعموم مردم نشان دادن و چون تشکیل و ترتیب مجلس تیاتر و بازیگرخانه منافی آیین دین مبین حضرت سید المرسلین است لهذا ما زمان است که آن وسیله اولی را ترک گفته وسیله دوم را پذیرفته باشیم

سابقاً از گزارنامه مبارکه ادب که یک چند بنده بتحریر آن مفتخر بوده و اینک هم صاحب امتیاز و نویسنده آن جناب ...

استاد اجل آقای ادیب الممالک که عنقریب دایر خواهند فرمود و عالم مطبوعات را آب و رنگی تازه و هیکل معارف را جلوه و رونق بی اندازه خواهند بخشود یکصفحه کاریکاتور که ضمیمه داشتیم خیال میکردیم چندان محل توجه دانشمندان نبوده است ولی این اوقات از اطراف و اکناف مملکت جداً ما را ترغیب باحداث و ترسیم و ترتیب آن فرموده اند ما هم این موقع را که از

توجهات ذات مقدس اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ترقی خواه و از برکت مجلس مقدس شورای ملی بیان و زبان دانشمندان بهمت مهر طلعت آزادی مفتخر شده است و هر کس آنچه راجع بخیر دولت و ملت میداند میتواند بنویسد و بگوید و عموم مردم مخبر شده و میخوانند مغتنم دانسته شروع باین شروع نمودیم و چون احتمال دادیم بسیاری مردم باین روزنامه تنها راغب باشند نخواستیم آنها را مجبور بقبول اشتراک (ندای وطن) نمائیم و هکذا اشخاصی هستند که فقط ندای وطن را بخواهند مجبوراً این روزنامه را منفکی قرار دادیم و قیمت اشتراک از آنهم با آنکه مخارج زیاد از بابت ترسیم و طبع بر میدارد ارزان و مناسب قرار دادیم قیمت یک نسخه را هم تقریباً بهمان قیمت که تمام میشود با جزئی ملاحظه مخارج موزع و حق العمل فروشنده در سه شاهی نرخ گذاردیم و امیدواریم

از این زحمت هم بتوانیم خدمتی بملت و ملکی بتمدن مملکت نمائیم توفیق با ربی



بانک ملی دایر شده پول لازم دارد صاحب عزت — ما که هر چه داشتیم بشرکت عمومی دادیم رندان خوردند
خیر اشتباه کردید یکدینار راهم نتوانند بخورند مجلس رسیدگی کرده پول شما را رد مینمایند — خیلی خوب ببینیم و تعریف کنیم

مشته کاه عمومی

پولتان را بگیرید و گم کنید

خیر اسطور نیست ما پول داده و راه ساخته ایم که تا قیامت فایده ببریم



راستی جان من دیروز یکبار نصف پولمان وصول شد

شکر صیکه از چاه در آمده بچاله نیفتد

شمارهٔ اول



بانک ملی
و پول ما را برده بلیط بگیرد؟ بلکه انشاءالله سال دیگر کارها خوب شود
هر چه داشتم دادم آسوده شدم
حالا که وقت پول دادن اینقدر شلوغ باشند آیا وقتی که بخواهیم
بگیریم چه خبر خواهد بود